ضرورت دارد به استناد متن کیفرخواست و اعترافات متهمین

عوامل اصلی کودتای مخملی دستگیر، محاکمه و مجازات شوند

دکتر یدالله جوانی

اولین جلسه محاکمه متخلفین پروژه شکست‌خورده کودتای مخملی در ایران روز شنبه دهم مرداد ماه سال جاری برگزار گردید. در این جلسه که با حضور عمده متهمین این پروژه و جمع کثیری از خبرنگاران و به صورت علنی برگزار شد، متن کیفرخواست دادستانی تهران علیه متهمین از سوی آقای مجتبی معاون دادستان عمومی و انقلاب تهران قرائت گردید و در انتهای جلسه اول دادگاه آقایان محمدعلی ابطحی عضو برجسته مجمع روحانیون مبارز و عطریانفر عضو برجسته کارگزاران به درخواست خود، مطالبی را در راستای کیفرخواست و در جهت تأیید آن بیان داشتند. در متن کیفرخواست با استناد به اسناد و مدارک در اختیار و موجود و همچنین اعترافات متهمین و بازداشت‌شدگان اغتشاشات پس از انتخابات دهم، تصریح شده که جریانی با حمایت غرب و به ویژه آمریکا با استفاده از بستر انتخابات ریاست‌جمهوری، قصد کودتای مخملی در ایران داشتند. در متن کیفرخواست با استناد به اسناد و مدارک در اختیار و موجود و همچنین اعترافات متهمین و بازداشت‌شدگان اغتشاشات پس از انتخابات دهم، تصریح شده که جریانی با حمایت غرب و به ویژه آمریکا با استفاده از بستر انتخابات ریاست‌جمهوری، قصد کودتای مخملی در ایران داشتند. یکی می‌گوید دادگاه صلاحیت ندارد !دیگری می‌گوید این اعترافات زیرشکنجه و تحت فشار بوده !یکی می‌گوید به متهمین قرص‌های روان‌گردان داده و ذهن آنان را مشوش کرده‌اند !و دیگری. . . بدیهی و طبیعی است که این جماعت در قبال دادگاه و اعترافات چنین مواضعی را اتخاذ نمایند. گروهی هم تلاش می‌کنند تا ماهیت این اغتشاشات و حوادث پس از انتخابات را وارونه جلوه داده و بگویند آنچه اتفاق افتاده حوادثی بوده و نمی‌توان آن را منطبق با الگوی کودتای مخملی دانست. در این نوشتار با هدف شفاف‌سازی به دنبال اثبات این فرضیه هستیم که آنچه اتفاق افتاده، اجرای پروژه کودتای مخملی با هدف اولیه تسلط بر قدرت سیاسی و هدف نهایی و بلندمدت تغییر نظام دینی به یک نظام سکولار بود که با عنایت خداوند متعال، هوشیاری مردم، درایت رهبر معظم انقلاب اسلامی و تلاش و فداکاری نیروهای انتظامی و نظامی با شکست مواجه گردید.

هدف اصلی کودتاگران مخملی

حاکم کردن تفکر سکولاریسم بر کشور هدف نهایی کودتاگران مخملی بود. کسانی که در دوره دوم خرداد و در شکستن ساختارهای نظام دینی و سکولاریزه کردن کشور شکست خوردند، با یک برنامه‌ریزی جدید و با برگ میرحسین به عنوان یک چهره به ظاهر خط امامی و مدافع ارزش‌های انقلاب اسلامی، وارد صحنه شدند. موسوی دادگاه به صورت علنی برگزار شده و در کنار کیفرخواست ابطحی و عطریانفر ضمن تأیید کلیات کیفرخواست، اعترافات مهمی را داشته‌اند، عوامل اصلی این پروژه شکست‌خورده و دیگر جریان‌ها و افراد همسو با آنان، در توجیه اعترافات، حرف‌های عجیب و غریب می‌زنند. یکی می‌گوید دادگاه صلاحیت ندارد !دیگری می‌گوید این اعترافات زیرشکنجه و تحت فشار بوده !یکی می‌گوید به متهمین قرص‌های روان‌گردان داده و ذهن آنان را مشوش کرده‌اند !و دیگری. . . بدیهی و طبیعی است که این جماعت در قبال دادگاه و اعترافات چنین مواضعی را اتخاذ نمایند. گروهی هم تلاش می‌کنند تا ماهیت این اغتشاشات و حوادث پس از انتخابات را وارونه جلوه داده و بگویند آنچه اتفاق افتاده حوادثی بوده و نمی‌توان آن را منطبق با الگوی کودتای مخملی دانست. در این نوشتار با هدف شفاف‌سازی به دنبال اثبات این فرضیه هستیم که آنچه اتفاق افتاده، اجرای پروژه کودتای مخملی با هدف اولیه تسلط بر قدرت سیاسی و هدف نهایی و بلندمدت تغییر نظام دینی به یک نظام سکولار بود که با عنایت خداوند متعال، هوشیاری مردم، درایت رهبر معظم انقلاب اسلامی و تلاش و فداکاری نیروهای انتظامی و نظامی با شکست مواجه گردید.

هدف اصلی کودتاگران مخملی

حاکم کردن تفکر سکولاریسم بر کشور هدف نهایی کودتاگران مخملی بود. کسانی که در دوره دوم خرداد و در شکستن ساختارهای نظام دینی و سکولاریزه کردن کشور شکست خوردند، با یک برنامه‌ریزی جدید و با برگ میرحسین به عنوان یک چهره به ظاهر خط امامی و مدافع ارزش‌های انقلاب اسلامی، وارد صحنه شدند. موسوی

تلاش کرد تا در تبلیغات اولیه انتخاباتی، خود را مستقل از گروه‌های افراطی و ساختارشکن دوم خرداد معرفی نماید، لکن با گذرزمان مشخص گردید موسوی کاندیدای اصلی بخش ساختارشکن دوم خرداد است. اگر خاتمی را چهره محوری دوم خرداد بدانیم، هم اوکه برای انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری گفت: یا من یا میرحسین، یکی وارد عرصه انتخابات خواهیم شد، فردی با تفکر سکولار بوده که سعی می‌کند برای حفظ پایگاه مردمی در ایران اسلامی، خود را معتقد به جمهوری اسلامی، قانون اساسی، ولایت فقیه و آرا و اندیشه‌های حضرت امام خمینی (ره) معرفی کند. در واقع خاتمی طی سالیان گذشته با ملت ایران، رفتاری منافقانه داشته است.

رفتاری که متأسفانه تعداد قابل توجهی از چهره‌های برجسته جریان اصلاحات گرفتار آن شده و آقای عطریانفر در اولین جلسه دادگاه به آن تحت عنوان «نفاق گروهی» اشاره می‌کند. موارد زیر این فرضیه را اثبات می‌کند.

۱- بر اساس مدارک موجود، آقای خاتمی در دوران ریاست جمهوری، در یکی از جلسات شورای عالی انقلاب فرهنگی تصریح می‌کند: «گریزی از سکولاریسم نیست.»

این نگاه آقای خاتمی در واقع جمع‌بندی تیم ایشان با محوریت آقای تاجیک از اعضای شورای مرکزی حزب مشارکت، در دفتر مطالعات استراتژیک نهاد ریاست جمهوری است. تیم مطالعات راهبردی که آقای خاتمی از آن بهره

می‌گرفت به این نتیجه می‌رسد که: «در آینده نزدیک احدی را یارای مقاومت در برابر سکولاریسم نیست و باید خود به نحو شایسته به این سرنوشت محتوم بشر تن دهیم!»

۲- زمانی که طلاب، علما و مدرسین حوزه علمیه قم در اعتراض به عملکرد وزارت ارشاد در دوره مهاجرانی در قم تحصن نمودند و خواستار برکناری یا استعفای مهاجرانی به دلیل سیاست‌های اسلام‌ستیزی وی شدند، آقای خاتمی در گفت‌وگوی تلفنی به مرحوم آیت‌الله مشکینی که خواسته متحصنین را به اطلاع وی رسانده بود، می‌گوید: آقای مشکینی، اگر قرار باشد کسی استعفا دهد من استعفا می‌دهم !مهاجرانی کاره‌ای نیست و او سیاست‌های من را اجرا می‌کند!

۳- شعارهای جامعه مدنی، توسعه سیاسی و اصلاحات در دوره خاتمی، هدفی جز حاکم کردن سکولاریسم بر کشور نداشت و برای این ادعا دلایل فراوانی وجود دارد.

۴- مانیفیست جمهوری‌خواهی که تهیه‌کنندگان اصلی آن اعضای جبهه مشارکت و سازمان مجاهدین بودند و به نام اکبر گنجی انتشار یافت تصریح بر ناسازگاری اسلام و جمهوری دارد و بر تلاش برای رسیدن به یک جمهوری محض یا همان سکولاریسم تأکید دارد.

۵- تیم فکری و مطالعات راهبردی آقای خاتمی در دوران ریاست‌جمهوری، در سال ۱۳۸۱ آقای هابرماس را به ایران دعوت می‌کند و در جلسه‌ای محرمانه در منزل آقای کدیور با حضور افرادی مانند حجاریان و محمد مجتهد شبستری، روند سکولاریزاسیون در ایران مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. آقای یورگن هابرماس درحالی به کشور خود باز می‌گردد که از اراده اصلاح‌طلبان ایرانی برای حاکم کردن سکولاریزم بر ایران مطمئن می‌شود.

۶- تشکیل جبهه دمکراسی‌خواهی و حقوق بشر با مشارکت همه نیروهای اپوزیسیون و مخالف نظام دینی در انتخابات نهم برای حمایت از کاندیداتوری معین با محوریت احزابی چون مشارکت، مجاهدین و مجمع روحانیون مبارز.

۷- حمایت گسترده اروپا و آمریکا از جریان اصلاحات در ایران به دلیل مواضعشان درقبال نظام دینی و تلاش آنها برای سکولاریزه کردن ایران.

براندازی نرم شیوه کودتاگران مخملی

کودتاگران مخملی برای تغییر نظام دینی در ایران و حاکم کردن سکولاریزم از شیوه براندازی نرم یا همان انقلاب مخملی یا رنگی که پیش از این در کشورهایی چون صربستان، گرجستان، اوکراین و قرقیزستان تجربه شده بود استفاده کردند. آمریکایی‌ها پس از سه دهه تلاش برای ساقط کردن جمهوری اسلامی و ناکامی در تمامی سیاست‌ها و برنامه‌های خود به این جمع‌بندی رسیدند که تنها راه تغییر نظام در ایران، استفاده از شیوه براندازی نرم با بهره‌گیری از الگوی انقلاب‌های مخملی تجربه شده در کشورهای اقماری بلوک شرق و شوروی سابق می‌باشد.»

الگوی انقلاب مخملی را «جین شارپ» تئوریزه کرده و براساس آن برای پیاده‌سازی آن در هر کشوری ۱۹۸ دستورالعمل ارائه داده است. براساس مدارک موجود بیش از ۱۰۰ مورد از این ۱۹۸ دستورالعمل «جین شارپ» در کودتای مخملی نافرجام اصلاح‌طلبان ایران به اجرا درآمد.

غربی‌ها و آمریکایی‌ها برای پیاده‌سازی این الگو در ایران از سالها قبل مجموعه‌ای از اقدامات و حرکات خزنده را به صورت آرام شروع کردند و در این راستا تعدادی از سازمان‌ها و موسسات خود از قبیل بنیاد سوروس (OSI)، بنیاد راکی فلر، بنیاد فورد، بنیادجرمن مارشال فایند، خانه آزادی، شورای روابط خارجی آمریکا، انجمن خارجی آلمان و مرکز دمکراسی انگلیس را فعال ساختند.

یکی از جاسوسان آمریکا که هم اکنون در ایران دستگیر و در بازداشت می‌باشد و برای ایفای نقش در راستای پیاده‌سازی کودتای مخملی در انتخابات دهم وارد ایران شده بود، اظهارات قابل توجهی دارد که به استناد کیفرخواست دادستانی تهران محورهای مهم این اظهارات عبارت است از:

۱- در اسرائیل موسسه‌ای به نام ممری وجود دارد که این موسسه پروژه‌ای را با هدف حمایت از اصلاح‌طلبان جهان اسلام از جمله ایران دنبال می‌کند. مسئول این پروژه که یکی از

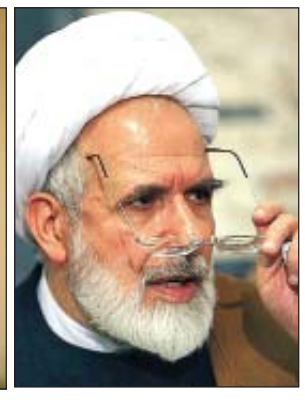

افسران قدیمی اطلاعات ارتش رژیم صهیونیستی است در ملاقات با این جاسوسان بازداشت شده می‌گوید، یکی از اهداف ما ترویج تفکراتی مانند تفکرات دکتر عبدالکریم سروش در ایران است.

۲- یکی از موسسات فعال در حوزه ایران، موسسه هلندی هیفوس است. این جاسوس می‌گوید در ملاقاتی که با مسئولین این موسسه داشتم، روشن شد که آنها ارتباط خوبی با موسسات وNGO های داخل ایران دارند و حتی مبلغ ده میلیون یورو در پایان ریاست جمهوری خاتمی در ایران هزینه کرده که بیشتر آن به جنبش زنان داده شده است.

۳- موسسه «کنوس» با ریاست «مارک پالمر» از جمله موسساتی است که بنا بر اظهارات این جاسوس بازداشت شده، در چند سال گذشته کلاس‌هایی برای برخی اصلاح‌طلبان ایران برگزار کرده و به آنان آموزش براندازی نرم داده‌اند. عمادالدین باقی از جمله افراد سرشناس دوم خردادی شرکت‌کننده در این دوره‌های آموزشی می‌باشد.

۴- این جاسوس در اظهارات خود تصریح می‌کند آمریکا از مدل براندازی نرم مبتنی بر انتخابات استفاده کرد. این مدل در کشورهای صربستان، گرجستان، اوکراین و کرواسی مورد استفاده و نتیجه داده بود. براساس این مدل روی نامزد مورد نظر تبلیغات کرده و با تشکیل شبکه و سازمان رأی افکار عمومی را برای جهت پیروز نشان دادن آن آماده می‌سازند و با نظرسازی او را نسبت به دیگر کاندیداها جلوتر نشان داده و در صورت عدم پیروزی با به خیابان کشاندن هواداران و متهم ساختن حاکمیت به تقلب، درخواست ابطال انتخابات کرده و برگزاری انتخابات زیرنظر ناظران خارجی را خواستار می‌شوند. این جاسوس اظهار می‌دارد تمامی مراحل انجام چنین انقلابی از طریق فیلم، کتاب و CD یا با برگزاری دوره‌های آموزشی به برخی از اصلاح‌طلبان ایرانی آموزش داده شده بود و آنچه در ایران اتفاق افتاد بر اساس همین مدل و آموزش‌ها بود.

انتخابات دهم بستر کودتای مخملی

انتخابات دهمین دوره ریاست‌جمهوری برای پیاده‌سازی کودتای مخملی از سوی دو جریان بیرونی و داخلی مورد توجه قرار گرفت. جریان مدعی اصلاحات در هیبت اپوزیسیون وضع موجود ظاهر شد و با برخورداری از حمایت خارجی در ابعاد تئوریک، تبلیغی و رسانه‌ای، سیاسی و بین‌المللی، از مدت‌ها قبل برای شکل‌دهی به ساختارهای داخلی و ساز و کارهای لازم برای پیاده‌سازی این سناریو روی آورد. براساس اسناد معتبر، کیفرخواست دادستانی تهران و اعترافات متهمین، حزب مشارکت، حزب کارگزاران، سازمان مجاهدین، مجمع روحانیون مبارز و عناصری از دیگر احزاب و گروه‌های دوم خردادی در این براندازی نرم نقش اصلی داشته و می‌توان از چهره‌هایی مانند سیدمحمد خاتمی، موسوی خوئینی‌ها، میرحسین موسوی، کروبی، موسوی لاری، مجید انصاری، محتشمی‌پور و بهزاد نبوی به عنوان عوامل اصلی در طراحی و پیاده‌سازی کودتای مخملی نام برد. احزاب و گروه‌های دوم خردادی از سال‌ها قبل برای براندازی نرم از طریق کودتای مخملی گام‌های بلندی را برای فرهنگ‌سازی، نهادسازی و شبکه‌سازی برداشته و بسترها و ابزارهای داخلی و مورد نیاز را فراهم ساختند. جابه‌جایی افکار به نفع ارزش‌های غربی، نهادسازی در قالبNGO ها و شبکه‌سازی از طریق وصل کردنNGO ها به یکدیگر از اقدامات اساسی داخلی جریان دوم خرداد طی سال‌های اخیر به شمار می‌آید. ایجاد شبکه‌های اطلاع‌رسانی از طریق رسانه‌های صوتی، تصویری، مجازی و مکتوب به موازات سازمان رأی و انسجام هواداران از طریق نمادهایی چون رنگ سبز به عنوان یک نماد از دیگر اقدامات براساس دستورالعمل‌های «جین شارپ» برای انقلاب رنگی بود که از سوی اصلاح‌طلبان انجام گرفت.

با آماده شدن تمامی سازوکارهای داخلی و خارجی و نزدیک شدن به زمان انتخابات، جریان دوم خرداد با کاندیدای اصلی خود یعنی میرحسین موسوی، در دو مرحله قبل و بعد از انتخابات طبق دستورالعمل کودتای مخملی عمل کرد با این تصور که الگویی که در چندین کشور موفق بوده، در ایران نیز به ثمر خواهد نشست.

الف- اقدامات تبلیغی قبل از انتخابات

میرحسین موسوی و حامیان اصلی وی در انتخابات دهم، به جای ارائه برنامه‌های خود برای اداره کشور در صورت پیروزی، به سیاه‌نمایی وضع موجود، ناکارآمد معرفی کردن دولت، فاسد و دروغگو دانستن رئیس‌جمهور روی آورده و با بی‌اعتمادساختن مردم نسبت به حاکمیت، امکان تقلب در انتخابات را به عنوان مهمترین عنصر برای پیروزی در براندازی نرم، در تمامی تبلیغات انتخاباتی خود مورد توجه قرار دادند. احزاب و گروه‌های دوم خردادی و تشکل‌های از قبل سازمان‌یافته برای خاتمی از قبیل گروه۸۸ ، یاری نیوز، پویش، با کمک قدرت رسانه‌ای با نظرسازی‌های انجام شده، میرحسین را برنده و پیروز انتخابات معرفی کردند.

ب- اقدامات بعد از انتخابات

میرحسین روز انتخابات و پس از آن پیروزی خود در انتخابات را اعلام و بر آن اصرار کرد و با متهم ساختن حاکمیت به تقلب با صدور بیانیه‌های زنجیره‌ای و کشاندن هواداران به خیابان‌ها، طبق نسخه کودتای مخملی بر اساس دستورالعمل‌های «جین شارپ» عمل نمود. تصور میرحسین و عوامل اصلی کودتای مخملی بر این بود که با کشاندن مردم به خیابان‌ها و التهاب‌آفرینی و راه انداختن موجی ازاعتصابات و تحصن‌ها، نظام را به پذیرش تقلب و ابطال انتخابات مجبور خواهند ساخت و با جاانداختن موضوع تقلب، با سازوکارهای جدید پیروز انتخابات بعدی خواهند بود. اما غافل از اینکه ایران گرجستان نیست و این مدل در ایران اسلامی نتیجه نمی‌دهد و با هوشیاری رهبری و مردم آنان ناکام خواهند شد.

تقلب، دروغ بزرگ موسوی برای کودتای مخملی

تمامی حوادث تلخ و ناگواری که پس از انتخابات دهم رخ داد براساس موضوع ادعای تقلب و جابه‌جایی آرا بود که از سوی موسوی، کروبی و احزاب و گروه‌های دوم خردادی مطرح گردید. اعترافات متهمین، همگی دلالت دارد که تقلب یک دروغ بزرگ بود و با اهداف خاص و در قالب یک سناریوی از قبل طراحی شده عنوان شد. نمونه‌هایی از این اعترافات به شرح زیر است.

۱- رمضان‌زاده سخنگوی دولت خاتمی: «من همیشه گفته‌ام و دوستان هم حزبی بنده هم می‌دانند که تقلب در ایران امکان ندارد.»

۲- محسن صفایی فراهانی عضو شورای مرکزی مشارکت: «به هیچ وجه نمی‌توان پذیرفت که در این انتخابات تقلب شده است.»

۳- بهزاد نبوی: «ما هیچ سندی دال بر وجود تقلب نداشته‌ایم و باید به رأی شورای نگهبان التزام داشته باشیم.»

۴- محمدعلی ابطحی عضو مجمع روحانیون مبارز: «سیدمحمد موسوی خوئینی‌ها در جلسه‌ای اعلام کرد، ما نباید فتیله بحث تقلب را پایین بکشیم چون موقع جر زدن لازم می‌شود.»

۵- محمدعلی ابطحی: «من اعتقادم این است که محتشمی‌پور ضربه بزرگی به مهندس موسوی وارد کرد. او در جلسه ۲۳ خرداد مجمع اعلام نمود، من به مهندس موسوی گفته‌ام که نگران نباش ما آنقدر سند در مورد تقلب داریم که می‌توانیم مسیر انتخابات را تغییر دهیم. . . دو روز بعد از انتخابات از موسوی لاری در زمینه تقلب پرسیدم که در جوابم گفت: محتشمی‌پور چرند می‌گوید زیرا تغییر در آرای موسوی بیشتر از ۷۰۰ الی ۸۰۰ هزار رأی نخواهد بود.»

۶- محمدعلی ابطحی: «بحث تقلب در انتخابات در ایران از سال ۷۶ اولین بار از سوی بهزاد نبوی مطرح شد که اصلاح‌طلبان از آن زمان به بعد از این صحبت خیلی استفاده کردند و در این انتخابات اخیر هم این بحث را بهزاد نبوی مطرح کرد و در ستاد خاتمی به عنوان مسئول کمیته صیانت از آرا مشغول به کار شد.»

ابطحی در ادامه همین اعترافات می‌گوید: «بعد از اعلام کاندیداتوری مهندس موسوی، در ستاد ایشان آقای محتشمی‌پور طرح تقلب را مطرح کرد، هم آقای موسوی و هم محتشمی‌پور زمینه بسیار تندی در این باره داشتند و کمیته صیانت از آرا را تشکیل دادند.»

۷- محمدعلی ابطحی: «اصلی‌ترین اتفاقی که در این انتخابات افتاد و البته در طول برگزاری، قبل و بعد از انتخابات هم مطرح بود، مسئله تقلب است. بنده البته جایی مطرح کرده‌ام که تقلب یک رمز آشوب شده است که در آن لشکرسازی برای تقلب وجود داشت و تمرین پهن شدن مردم هم در خیابان‌ها در آن موجود بود.»

۸- عطریانفر عضو برجسته کارگزاران در موضوع تقلب و عدم امکان آن در انتخابات ایران با اشاره به سابقه هشت سال فعالیت خود در جایگاه معاونت سیاسی وزارت کشور می‌گوید: «حجم بزرگ مجریان، معتمدین هستند و آنان کسانی‌اند که از ابتدای انقلاب مورد احترام مردم بوده و در هیچ حوزه‌ای اجازه تقلب نمی‌دهند و کسی که بخواهد تقلب بکند خود را کوچک می‌کند.»

براساس کیفرخواست عمده متهمین بر دروغ بودن تقلب و طرح آن برای ابطال انتخابات اعتراف کرده و اذعان نموده‌اند که انتخابات ایران سالم بوده است. اظهارات و اعترافات ابطحی به ویژه در دادگاه و در حضور خبرنگاران و همچنین مصاحبه وی با خبرنگاران از اهمیت بالایی برخوردار است. ابطحی در این اعترافات اشاره می‌کند به جلسه مشترک خاتمی، موسوی هاشمی رفسنجانی در مقطع پس از انتخابات که آنان با هم هم قسم شده که پشت یکدیگر را خالی نکنند. ابطحی همراهی خاتمی با موسوی در این ماجرا را خائنانه دانسته و بر این نکته تصریح می‌کند که هاشمی هم به دنبال انتقام از احمدی‌نژاد و مقام معظم رهبری بود.

محاکمه متهمین اصلی

با توجه به روشن شدن پشت صحنه حوادث انتخابات و افشای نیت یک جریان برای براندازی نرم به شیوه کودتای مخملی در ایران، سوال این است که طراحان اصلی و عواملی اصلی این کودتا چه کسانی بودند؟ نقش خاتمی، موسوی، خوئینی‌ها، کروبی و. . . در این کودتا چه نوع نقشی است؟ اگر آنان از عوامل اصلی به شمار می‌آیند که این گونه است، انتظار این است که دستگاه قضایی و مسئولان اطلاعاتی امنیتی برای روشن شدن هر چه بیشتر پشت صحنه این حوادث و خاموش کردن آتش فتنه به سراغ این عناصر اصلی رفته و آنان را دستگیر، محاکمه و براساس قانون مجازات نمایند. نظام اسلامی، نظامی است که حضرت امام (ره) حفظ آن را از اوجب واجبات دانسته و تاکنون برای حفظ این نظام الهی هزینه‌های سنگینی ملت مسلمان و انقلابی ایران پرداخت کرده است. بنابراین هر جریان و هر فرد با هر سابقه و موقعیتی که بخواهد در همراهی با آمریکا این شیطان بزرگ، نظام اسلامی را تغییر دهد و به جای آن یک نظام غیردینی مستقر سازد، باید به عنوان یک جریان برانداز و خیانتکار مجازات گردد.